



جایگاه حجت‌های الهی در هستی

ابراهیم شفیعی سروستانی

می‌توان به درستی یکی از دو مخالف پی برد.^۳ در روایات آمده است که «خداوند تعالی دو حجت بر بندگانش دارد: یکی حجت آشکار که رسولان، پیامبران و امامان هستند و دیگری حجت پنهان که عقل و خرد انسان است». از امام موسی کاظم (ع) در این زمینه چنین نقل شده است:

«برای خدا بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی پنهان. حجت پنهان رسولان، پیامبران و امامان، و حجت پنهان خردها هستند».^۴ مهم‌ترین مباحثی که در این زمینه در آموزه‌های قرآنی و روایی مطرح شده، به شرح زیر است:

۱. حجت‌های الهی، مایه بسته شدن راه بهانه‌جویی بر مردم

خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «رَسُولًا مَبْشُرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرِّسَالِ وَ كَانِ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»^۵

پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه و] حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است». خداوند در این آیه، هدف از فرستادن پیامبران را اتمام حجت بر مردم و بستن راه استدلال و بهانه‌جویی بر آنها دانسته است. بنابراین، می‌توان گفت که پیامبران، «حجت» خدا بر مردم هستند و با آمدن آنها، دیگر کسی نمی‌تواند در پیشگاه خداوند مدعی شود که چرا راه مستقیم را به ما نشان ندادی.

در دعای شریف ندبه نیز به این موضوع توجه شده و پس از اشاره به چند تن از پیامبران بزرگوار الهی چنین آمده است:

«و برای هر یک از آنان [پیامبران] شریعتی و روشی معین کردی و برایش جانشینانی نگهبان انتخاب کردی تا هر کدام یکی پس از دیگری، در مدتی معین دینت را برپا دارند و حجت بر بندگانت باشند تا حق از جایگاه خود خارج نشود و باطل بر حق‌مداران چیره نگردد و کسی نتواند بگوید: «چرا پیامبری هشداردهنده به سوی ما نفرستادی و نشانه‌ای هدایتگر برای ما به پا نداشتی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، از آیات پیروی کنیم؟»^۶»

۲. نیاز همیشگی به حجت

در اعتقاد اسلامی، بشر همواره نیازمند هدایتگر است. به همین دلیل، از ابتدای آفرینش انسان تاکنون هیچ‌گاه جهان از پیامبران و امامان هدایتگری که حجت‌های خدا بر بندگانش هستند، خالی نبوده است. بر اساس این اعتقاد، اگر بر روی کره زمین تنها دو نفر باقی مانده باشند، یکی از آنها حجت الهی خواهد بود.^۸ دانشوران شیعه این موضوع را تحت عنوان «اضطرار به حجت» (ناگزیری از حجت) مطرح ساخته‌اند.^۹ امام محمد باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

«به خدا سوگند، خداوند از روزی که آدم (ع) قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می‌شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا، حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین

یکی از مبانی اساسی امامت و ولایت، اعتقاد به ضرورت وجود حجت الهی در هر عصر است. بر اساس این اعتقاد، خداوند از ابتدای آفرینش تا روز قیامت همواره انسان‌های شایسته‌ای را به عنوان حجت‌های خود بر مردم برگزیده است و انسان‌ها هیچ‌گاه بی‌نیاز از این حجت‌ها نمی‌شوند. البته حجت‌های الهی همواره ظاهر و آشکار نیستند و چه بسا که در برخی دوره‌ها، بر اساس مصالح و حکمت‌هایی، از دیدگان مردم پنهان شوند.

شیخ صدوق (ره) در مورد این مبنای مهم اعتقادی می‌نویسد:

«و واجب است که [فرد شیعه] معتقد باشد که زمین هیچ‌گاه از حجت خدا بر آفریدگانش خالی نمی‌ماند، خواه این حجت آشکار و شناخته شده باشد و خواه ترسان و پنهان از دیده‌ها».^{۱۰}

«حجت» در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است. به عبارت دیگر، «آنچه به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند»، حجت گویند.^{۱۱} راغب اصفهانی، حجت را این‌گونه معنا کرده است:

«راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه به وسیله آن

بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی ماند».^{۱۰}

امام صادق (ع) نیز در همین زمینه می فرماید:

«تا زمانی که زمین پابرجاست، در آن برای خدای تعالی حجتی است که حلال و حرام را [به مردم] می شناساند و [آنها را] به راه خدا فرامی خواند. حجت خدا از روی زمین برداشته نمی شود مگر تا چهل روز پیش از برپایی رستاخیز. پس آن گاه که حجت خدا برداشته شد، در توبه بسته می شود و ایمان کسی که پیش از برداشته شدن حجت ایمان نیابوده است، برای او سودی نخواهد داشت».^{۱۱}

نیاز همیشگی به حجت های الهی ریشه در این واقعیت دارد که آدمی برای پیمودن مسیر هدایت و دست یافتن به حقیقت هستی همواره نیازمند راهنمایی انسان های شایسته ای است که از سوی خدای متعال به این منظور برگزیده شده و رسالت هدایت و راهبری آدمیان را برعهده گرفته اند.

پرسشی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که با وجود کتاب های آسمانی چه نیازی به این انسان های برگزیده وجود دارد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: اولاً کتاب های آسمانی خود نیازمند مفسر و مبین هستند و ثانیاً این کتاب ها بدون وجود حجت های الهی دچار تحریف و تبدیل یا تأویل و تفسیرهای بی اساس می شوند تا آنجا که حقیقت بر مردم مشتبه شده و انسان ها بیش از پیش دچار سردرگمی می گردند. از این رو، همواره باید در کنار کتاب های آسمانی انسان های برگزیده ای به عنوان مفسر و مبین کلام خدا وجود داشته باشد.

قرآن کریم نیز به این واقعیت توجه کرده و رسول گرامی اسلام (ص) را عهده دار تبیین و توضیح آنچه بر مردم نازل شده، قرار داده است: «و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم ولعلهم يتفكرون»^{۱۲} و این آیه قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند».

بدیهی است، پس از رسول خدا (ص) نیز باید همواره کسانی وجود داشته باشند که با تبیین و تفسیر قرآن مردم را در پیمودن طریق هدایت، یاری و آنها را از افتادن به راه های انحرافی حفظ کنند.

از برخی مناظره های باران امامان معصوم (ع) با مخالفان خود که محتوای آنها به تأیید امامان رسیده است، نیز می توان به چرایی نیاز همیشگی بشر به حجت های الهی پی برد. گزارش یکی از این مناظره ها را مرور می کنیم: منصور بن حازم گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: همانا خدا برتر و بزرگوارتر از این است که به آفریدگانش شناخته شود، بلکه آفریدگان به خدا شناخته می شوند. [آن حضرت] فرمود: «راست گفتم». عرض کردم: کسی که بداند برای او پروردگاری است، سزاوار است که بداند برای آن پروردگار خشنودی و خشم است و خشنودی و خشم او جز به وسیله وحی یا فرستاده او شناخته نمی شود. کسی که بر او وحی نازل نمی شود باید که در جست و جوی پیامبران باشد و چون ایشان را بیابد بداند که ایشان حجت خدایند و اطاعتشان لازم است».

من به مردم (سنیان) گفتم: آیا شما می دانید که رسول خدا (ص) حجت خدا بر آفریدگانش بود؟ گفتند: آری. گفتم: هنگامی که رسول خدا (ص) در گذشت حجت خدا بر آفریدگانش کیست؟ گفتند: قرآن. [گفتم]: من در قرآن نظر کردم و دیدم مرجئه،^{۱۳} قدریه^{۱۴} و [حتی] زندیقی^{۱۵} که به آن ایمان ندارد، در مناظره برای غلبه بر دیگران به آن استدلال می کنند، پس دانستم که قرآن بدون قیّم (برپادارنده) حجت نیست و هر چه آن برپا دارنده درباره قرآن بگوید، حق است. آن گاه به ایشان گفتم: برپادارنده قرآن کیست؟ گفتند: ابن مسعود قرآن را می دانست، عمر هم می دانست، حدیقه

هم می دانست. گفتم: تمام قرآن را؟ گفتند: نه، [گفتم]: من کسی را جز علی (ع) ندیدم که بگوید همه قرآن را می داند. و هنگامی که در میان مردم چیزی رخ می داد که همه در پاسخ آن در می ماندند و به هر کس مراجعه می کردند می گفت: نمی دانم [آنها او بود] که می گفت: می دانم. پس گواهی می دهم که علی (ع) برپادارنده قرآن، [امام] مفترض الطاعة و حجت بر مردم پس از رسول خدا (ص) بود. هر آنچه او درباره قرآن بگوید حق است. آن گاه حضرت فرمود: «خدایت رحمت کند».^{۱۶}

۳. لزوم زنده بودن حجت الهی

در روایات متعددی بر این موضوع تأکید شده است که حجت الهی آن گاه بر مردم اقامه می شود که امام زنده ای در میان مردم باشد و مردم نیز او را بشناسند. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «حجت خدا بر آفریدگانش تنها با امام [زنده ای] که شناخته شود، اقامه می شود».^{۱۷}

امام موسی بن جعفر (ع) نیز در این زمینه می فرماید: «هر کس بدون امام بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است؛ امام زنده ای که او را بشناسد». پس گفتم: از پدرتان نشنیدم که این لفظ - یعنی امام زنده - را ذکر کرده باشد. فرمود: «به خدا قسم که آن را رسول خدا (ص) ذکر کرد. رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بمیرد و امامی که سخنش را بشنود و از او اطاعت کند، نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است».^{۱۸}

امام رضا (ع) به نقل از امام باقر (ع) چنین روایت می کند: «حجت خداوند - عزوجل - بر مردم اقامه نمی شود مگر با امام زنده ای که او را می شناسند».^{۱۹}

با توجه به آنچه در زمینه نیاز همیشگی مردم به حجت گفته شد و همچنین با توجه به روایت نقل شده از امام موسی بن جعفر (ع) که در آن بر موضوع پیروی و اطاعت از امام تأکید شده بود، فلسفه لزوم زنده بودن حجت های الهی روشن می شود.

۴. امکان غیبت حجت های الهی

حجت های الهی، گاه آشکارا بر مردم ظاهر می شوند و به صورت عادی در جامعه حضور می یابند و گاه به دلایلی از دیدگاه مردم پنهان می شوند و نهان زیستی (غیبت) را برمی گزینند. این موضوع گاه به صورت کلی و بیان اصل امکان غیبت حجت های الهی و گاه به صورت مصداقی و بیان موارد غیبت آنان در تاریخ، در روایات آمده است. یکی از مواردی که به اصل این موضوع اشاره کرده، روایتی است که در آن، به نقل از امام علی (ع) چنین آمده است:

«بلی، زمین از کسی که حجت بر پای خداست، پایدار و شناخته است و یا ترسان و پنهان از دیده هاست، تهی نمی ماند تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود...».^{۲۰}

در روایت دیگری که از امام صادق (ع) نقل شده است،

در بسیاری از آنها تأثیری ندارد و این ویژگی‌ها در هر حال برای آنها ثابت است. به بیان دیگر آنها در حال غیبت و حضور، والیان امر، گواهان بر مردم، راهنمایان به سوی خدا، جایگاه‌های علم الهی، پایه‌های توحید، صاحبان معجزه‌ها و نشانه‌ها، مایه‌های ثبات و پایداری جهان، وسیله‌های نجات و رستگاری امت و سرسپردگان امر الهی هستند و مردم از همه این ویژگی‌های آنها بهره‌مند می‌شوند.

۲. بی‌تردید مردم در زمان غیبت، از بسیاری از فواید و آثار وجودی حجت‌های الهی نظیر بیان حلال و حرام الهی، تبیین و تفسیر کتاب آسمانی، برپاداشتن حدود الهی، اجرای احکام خدا و... محروم می‌شوند، ولی این بدان معنا نیست که مردم در زمان غیبت به حال خود واگذاشته شده و در وادی نادانی و گمراهی رها شده‌اند. مطالعه تاریخ غیبت امام دوازدهم نشان می‌دهد که اجداد طاهربین آن امام سال‌ها پیش از آغاز غیبت، مردم را برای این دوران آماده کرده و با معرفی فقها به عنوان نمایان عام امامان معصوم، تکلیف آنها را در زمان غیبت روشن ساخته‌اند.

۳. درست است که برخی از آثار و فواید وجودی حجت خدا؛ مانند ولایت سیاسی و اداره امور جامعه؛ ولایت تشریح و تبیین حکم الله واقعی؛ بیان معنای دقیق آیات کتاب خدا و تفسیر و تأویل آنها و... به حضور عینی و ملموس او در جامعه بستگی دارد، ولی باید توجه داشت که سبب محرومیت جوامع انسانی از آثار و فواید یادشده، خود مردم بوده‌اند و اگر آنها در پی بهره‌مند شدن از این آثار و فواید هستند، باید تلاش کنند که موانع غیبت برطرف و در ظهور آخرین حجت خدا تعجیل شود.

۵. حجت‌های الهی، معیار تشخیص حق و باطل

یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز حجت‌های خداوند، معیار و شاخص بودن آنها برای شناسایی حق از باطل و معروف از منکر است. مردم برای اینکه بدانند آنچه در زندگی فردی و اجتماعی آنها می‌گذرد، حق است یا باطل، معروف است یا منکر، چاره‌ای جز رجوع به آنان ندارند. در روایتی که از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) نقل شده است، در این زمینه چنین می‌خوانیم: «خداوند زمین را بدون عالم نگذاشته است و اگر این‌گونه نبود، حق از باطل شناخته نمی‌شد».^{۲۷}

امام صادق(ع) در روایت دیگری، در این زمینه چنین می‌فرماید: «زمین از همان گاه که پدید آمده، از حجتی عالم که هر حقی را مردم به دست فراموشی بسپارند، زنده می‌کند، تهی نبوده است».^{۲۸} امام باقر(ع) نیز در زمینه مرجعیت امامان در تشخیص حق از باطل و درست از نادرست می‌فرماید:

«مردم تنها به سه چیز تکلیف شده‌اند: شناخت امامان؛ تسلیم شدن به ایشان در آنچه بر آنها وارد می‌شود و رجوع به آنها در آنچه در آن اختلاف دارند».^{۲۹}

۶. حجت‌های الهی، بیان کننده حلال و حرام الهی

یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد حجت‌های خداوند، مرجعیت آنان برای بیان حلال و حرام الهی است. این ویژگی از ابتدای تاریخ تا روزی که بشر در کره زمین حیات دارد، استمرار داشته و خواهد داشت و بشر هیچ‌گاه از راهنمایی حجت‌های الهی بی‌نیاز نخواهد شد. امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: «تا زمانی که زمین پابرجاست، در آن، برای خدا حجتی است که حلال و حرام را به مردم می‌شناساند و آنها را به راه خدا فرا می‌خواند».^{۳۰} آنچه گذشت، بخش کوچکی از معارف ارزشمندی است که در آموزه‌های اسلامی درباره حجت‌های الهی آمده است.

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود است.

در این زمینه چنین می‌خوانیم:

«از زمانی که خداوند آدم را آفرید تاکنون زمین از حجت خدا خالی نمانده است، خواه آن حجت آشکار و شناخته شده باشد، خواه غایب و پنهان [از دیده‌ها]. و تا روزی هم که قیامت برپا شود، زمین از این حجت‌های الهی خالی نخواهد ماند. اگر این‌گونه نبود، خدا پرستیده نمی‌شد».^{۳۱}

افزون بر این روایات که در آنها به اصل امکان غیبت حجت‌های الهی پرداخته شده است، روایات فراوانی وجود دارد که در آنها از موارد غیبت حجت‌های خدا در طول تاریخ سخن گفته شده است.

شیخ صدوق(ره) در کتاب «کمال‌الدین و تمام النعمه» پس از بیان مقدمه‌ای طولانی درباره علت تألیف کتاب و پاسخ به برخی شبهه‌هایی که فرقه‌های مختلف در زمینه غیبت امام دوازدهم(ع) مطرح می‌کنند، به بیان موارد غیبت پیامبران و حجت‌های الهی در طول تاریخ می‌پردازد و با بهره‌گیری از روایات به تفصیل در مورد غیبت ادريس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی و... (ع) سخن می‌گوید.

در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که در صورت غیبت حجت‌های الهی - با همه نقش‌های گسترده‌ای که آنها در جوامع انسانی دارند - مردم چگونه از وجود آنها بهره‌مند می‌شوند؟

در پاسخ این پرسش چند نکته را یادآور می‌شویم:

۱. بسیاری از اموری که در روایات از آنها به عنوان فواید و آثار وجودی حجت‌های الهی و پیشوایان معصوم(ع) یاد شده است، در زمان غیبت نیز استمرار دارند و غیبت ظاهری امام هیچ تأثیری در آنها ندارد. به بیان دیگر، اگرچه مردم در زمان غیبت به ظاهر از وجود امام محروم می‌شوند، ولی آثار و برکات متعدد وجود امام - که پیش از این به تفصیل درباره آنها سخن گفتیم^{۳۳} - پیامبر گرامی اسلام در پاسخ این پرسش جابر بن عبدالله انصاری که «آیا شیعیان آخرین امام، در زمان غیبتش از او بهره‌مند می‌شوند؟» می‌فرماید:

«آری، سوگند به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت، مردم در زمان غیبت او از نورش، روشنایی می‌گیرند و از ولایتش بهره‌مند می‌شوند، چنان‌که از خورشید در زمانی که ابرها آن را پوشیده‌اند، استفاده می‌کنند».^{۳۴}

امام صادق(ع) نیز در ادامه روایتی که پیش از این نقل شد، در پاسخ این پرسش راوی که «مردم چگونه از حجتی که غایب و پنهان [از دیده‌ها] است بهره‌مند می‌شوند؟» می‌فرماید: «آن چنان که از خورشید در زمانی که ابرها آن را پوشانده‌اند استفاده می‌کنند».^{۳۵}

با نگاهی اجمالی به ویژگی‌های دوازده‌گانه امامان معصوم(ع) که شیخ صدوق(ره) اعتقاد به آنها را از لوازم معرفت امام برشمرده است، درمی‌یابیم که غیبت امام